

- ۱- برگزیده و خالص از هر چیز (۰/۲۵)
- ۲- سیلی - خلدشه به کسی وارد کردن (۰/۲۵)
- ۳- بی حس و حرکت شد. (۰/۲۵)
- ۴- فتنه‌ای که مردم را به جنبش درآورد. (۰/۲۵)
- ۵- سخن بیهوده (۰/۲۵)
- ۶- اطاعت، فرمان‌برداری (۰/۲۵)
- ۷- قاچ، برجستگی جلوی زین اسب که از چوب، شاخ یا فلز سازند. کوهه‌ی زین، قبه‌ی پیش زین (۰/۲۵)
- ۸- دوش، کتف (۰/۲۵)
- ۹- ستارالعیوب (۰/۲۵)، رزاق (۰/۲۵)
- ۱۰- فلک (۰/۵) ۱- وسیله‌ی تنبیه (۰/۲۵) ۲- آسمان (۰/۲۵)
- ۱۱- فرعونیان و قبطیان = اسرائیلیان یا رهبران اسرائیل و طرفداران آنها
- ۱۲- مشکلات و موانع (۰/۲۵)
- ۱۳- افراد خودخواه و مغرور (۰/۵)
- ۱۴- راز پنهان عشق یا راز دل (۰/۵)
- ۱۵- خمش (۰/۲۵)
- ۱۶- دردآور، ناراحت‌کننده (۰/۲۵)
- ۱۷- مرجع هر دو امام زمان است. (۰/۵)
- ۱۸- وحدت وجود (۰/۵)
- ۱۹- ساده (مرسل) (۰/۲۵)
- ۲۰- درون‌مایه (۰/۲۵)
- ۲۱- پرویز خرسند (۰/۲۵)
- ۲۲- محمدعلی معلم دامغانی (علی معلم) (۰/۲۵)
- ۲۳- ابوالفضل بیهقی (۰/۲۵)

- ۲۴- ابن مقفع (۰/۲۵)
- ۲۵- ج (۰/۲۵)
- ۲۶- تضاد، تشبیه، کنایه، جناس (۲ مورد، هر مورد (۰/۲۵) نمره)
- ۲۷- غنایی (۰/۲۵)
- ۲۸- بهارستان (۰/۲۵) گلستان (۰/۲۵)
- ۲۹- تقاضای ملاقات دارند. (۰/۵)
- ۳۰- توازن قدرت هر دو پهلوان (۰/۵)
- ۳۱- تلاش کردن و پشتکارکردن (۰/۵)
- ۳۲- مخالفان (۰/۲۵) برخاست، نه تمام یا بر خویشتن می‌ژکید. (۰/۲۵)
- ۳۳- اتصال بندگان به خدا (۰/۵)
- ۳۴- ب (۰/۵)
- ۳۵- قصد کشتن و نابودی سامری را گرفت. (۰/۲۵)
- ۳۶- رهبر یا موسی (ع) یا امام خمینی (ره) (۰/۲۵)
- ۳۷- فرقت (۰/۲۵)، قطع (۰/۲۵)
- ۳۸- خنده‌های زیر لب (۰/۲۵)، عشوهای پنهانی (۰/۲۵)
- ۳۹- زورخانه چه ربطی دارد به این گل‌دسته‌ها یا زورخانه ربطی به این گلدسته‌ها ندارد.
- ۴۰- پدرم در نهایت شادی و خوشی بود یا پدرم بسیار خوش حال بود.
- ۴۱- می‌ترسم اگر از بازکردن گره‌های بند من آغاز کنی خسته شوی و برخی از آنها در بند گرفتار بمانند.
- ۴۲- رزمندگان شجاع و نترس آماده‌ی حرکت و هجوم بر دشمن هستند.
- ۴۳- (خداوند) گل آدم را می‌سرشت و در هر ذره از آن کالبد گلی، دلی جای می‌داد.
- ۴۴- این مرد بزرگ با خوشحالی به نوشتن پرداخت تا نزدیک نماز ظهر این کارهای بزرگ را تمام کرده بود.
- ۴۵- از ابر سحرگاهی زرهی برای قبای زربنت فراهم کن زیرا تو را همچون پیک بسته قبا (آماده و مهیا) می‌فرستم.

۴۶- در نظر داشتم وقتی به درخت معارف الهی (پیشگاه معبود) رسیدم دامنی از مشاهدات و معارف الهی را به عنوان هدیه برای دوستانم بیاورم اما چون رسیدم (با خداوند ارتباط قلبی برقرار کردم) جلوه‌ی جمال حق آن چنان مرا مست کرد که از خود بی‌خود شدم.

۴۷- هر چند که دلی پاک و باصفا دارم اما بسیار غمگین هستم. ای عشق، دل بیچاره‌ی مرا بشکن زیرا دلی که شکسته و درد عشق را چشیده، به خداوند نزدیک‌تر و آهنگش دلنشین‌تر است.

۴۸- بیت سوم

۴۹- از شیوه‌ی طنز استفاده کرده است.

۵۰- الف) چون خداوند در آفرینش انسان از روح خود به کالبد انسان دمیده است. (ب) حوادث ناگوار

۵۱- لت زدن: سیلی زدن، آسیب رساندن. فرو گرفتن: بازداشت کردن، از کار برکنار کردن، بیچاره کردن

۵۲- ماه را گردن آویز اسب پیامبر می‌داند و شب را هم چون رشته‌های سیاه حاشیه‌ی پرچم پیامبر (ص).

۵۳- برای شنیدن صدای وحی از عالم بالا گوش و دلی آشنا لازم است و نامحرمان توانایی شنیدن سروش غیبی را ندارند.

۵۴- شاعر خود را محاکمه می‌کند که چرا عاشق نشده یا در راه عشق جانبازی نکرده یا در راه خدا شهید نشده است.

۵۵- عقاب با غرور بی‌جای خود فکر می‌کرد بر همه‌ی جهان تسلط دارد.

۵۶- بینایی چشم جانباز

۵۷- نماد انسان‌های خودخواه و متکبر

۵۸- تا وقتی که زنده هستم.

۵۹- چون عشق در ذات خود با غم و اندوه همراه است به همین دلیل از دریای غم هراسی ندارد.

۶۰- الف) کارآموده است.

ب) تأکید بر فنا شدن در راه محبوب دارد و شرط آگاهی از جانان را فنا و بی‌خبری از جسم و جان می‌داند.

۶۱- الف) اسفندیار (ب) زمینه‌ی خرق عادت

۶۲- الف) استعاره از ثروت ناچیز دنیا

ب) به دارایی خود قانع است یا حریص و افزون‌طلب نیست.

۶۳- به کوتاهی در عبادت خداوند اعتراف می‌کنند. زیرا خداوند را آنگونه که شایسته است پرستش نکرده‌اند.

۶۴- وجود انسان با عشق آمیخته و عجین است.

۶۵- سوم شخص یا دانای کل

۶۶- نقد لغوی

۶۷- ادبیات غنایی

۶۸- گزینه‌ی الف

۶۹- نصرالله منشی

۷۰- در نعت و ستایش پیامبر بزرگوار اسلام (ص)

۷۱- تشبیه - تلمیح - جناس - موازنه - استعاره

۷۲- الف) پرویز خرسند ب) سلمان هراتی

۷۳- مشنوی خواجه که تا در نگری بر باد است.

۷۴- شراب روحانی حجاب ظلمانی

۷۵- کلاه شاهانه را بر سر گذاشت.

۷۶- اصغر با مشت (آرنج) یک ضربه‌ی دیگر به من زد.

۷۷- شاد و بانشاط بر روی آتش نشست.

۷۸- چرا در میان ایل (طایفه) مانده‌ای و عمر را بیهوده تلف می‌کنی؟

۷۹- راه رفتن خود را فراموش کرد و از این کار (تقلید کورکورانه) دچار زیان شد.

۸۰- ای عزیز من! برخیز و صدای جلودار (رهبر) را بشنو و ببین که امام پرچم بر دوش گرفته و آماده‌ی مبارزه شده است.

۸۱- عزرائیل آمد و با خشم و اجبار، یک مشت خاک از تمامی زمین برداشت.

۸۲- به بونصر مشکان بگو که امروز حالم خوب است (بهبود یافته‌ام) و در این دو سه روز، اجاره‌ی ملاقات به مردم داده شود، زیرا تب من به طور کامل، برطرف شده است.

۸۳- به سوی تیر نگاه کرد و پر خود را بر روی آن دید، گفت: نباید از دست دیگران شکایت کنیم زیرا عامل گرفتاری‌ها خودمان هستیم.

۸۴- شیرهی درخت انگور با قدرت خداوند به شیرینی برگزیده تبدیل شده و هسته‌ی خرما با پرورش و عنایت او به نخل بلندی بدل گشته است.

۸۵- در دوران استبداد، یأس و ناامیدی، آرزوها و امیدها را به رنج و درد تبدیل می‌کرد و عشق و مهرورزی، سرد و کم‌رونق می‌شد.

۸۶- گفت و گوها

۸۷- کنایه از افراد بدبخت و سیاهبخت

۸۸- سرزنش، خشم گرفتن، غضب، ملامت

۸۹- صحرا، بیابان

۹۰- پیشوا، راهنما

۹۱- تپه، پشته، هر چیزی که بر روی هم خرمن کرده باشند.

۹۲- گناهکاران، مجرمان

۹۳- شکوه

۹۴- زیرا خداوند در دل‌های شکسته جای دارد و همچنین، آهنگ دل‌شکسته مثل ساز شکسته سوزناک و دل‌نشین‌تر است.

۹۵- پریدن پلک چشم نشانه‌ی آمدن مهمان عزیز یا شنیدن خبر خوش است.

۹۶- در هر دو بیت سخن تازه گفتن موجب شادابی و طراوت روح می‌شود.

۹۷- الف) رازق بودن خدا ب) رزق مقرر و معین

۹۸- جان گذاختن در آتش عشق

۹۹- الف) این هدیه باعث افتخار است.

ب) زیرا از حساب پس‌دادن در روز قیامت می‌ترسید.

ج) به آن احتیاجی ندارم.

۱۰۰- قدرت اسبان و ضربه‌ی پهلوانان

۱۰۱- الف) زیرا به نظر شاعر، روشنایی چشم جانباز از آفتاب بیشتر است.

ب) چشم

۱۰۲- چون اجازه‌ی ورد به دل آدم را به او ندادند و دست رد به رویش زدند.

۱۰۳- الف) مسخره کردن، به بیگاری گرفتن ب) فقرا و نیازمندان یا عارفان و زاهدان

۱۰۴- اهریمن: اسرائیل تخت و نگین: سرزمین فلسطین

۱۰۵- الف) مقصود شاعر این است که تو آن چنان بلندمقامی که گوشه‌ی کلاهد بالاتر و برتر از فلک نهم است.

ب) کنایه از مطیع بودن یا نظایر آن

۱۰۶- چون سرو درختی همیشه سبز و خرم است و عشق خود را همیشگی می‌داند.

۱۰۷- زیرا سرپرست و رهبر باید هنگام خطر یاور پیروانش باشد و بیشتر از همه خطر را به جان پذیرد و حق ریاست را ادا کند.

۱۰۸- الف) سخنان به ظاهر کفرآمیز چوپان

ب) عقیده و مذهب

۱۰۹- آینه: آینه‌ی آفرینش انسان - وجود انسان

نقش‌های بوقلمون: جلوه‌های گوناگون آفرینش - نقش‌های رنگارنگ

۱۱۰- بیک آماده و مهیا

۱۱۱- الف) محمد بهمن بیگی

ب) جلال آل احمد

۱۱۲- تاریخ سلطنت مسعود غزنوی

۱۱۳- حسان عجم

۱۱۴- ج (رباعی)

۱۱۵- نماز و نیاز، جناس تام

۱۱۶- تشبیه

۱۱۷- ادبیات غنایی

۱۱۸- زمینه‌ی خرق عادت

۱۱۹- انقلاب اسلامی

۱۲۰- د (هسته)

۱۲۱- که اساسش همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است.

۱۲۲- عمارت کن - رو نهد به ویرانی

۱۲۳- هر نفسی که به داخل می‌رود (دم) کمک‌کننده‌ی زندگی است.

۱۲۴- نام آن موش زبرا بود. بسیار باهوش و خردمند.

۱۲۵- از هر طرف بانگ حرکت به گوشم می‌رسد.

۱۲۶- چون شیطان را در دل انسان راه ندادند همه‌ی دنیا او را رد کردند.

- ۱۲۷- قبل از این که جلاد طناب به گلوی حسنگ بیندازد و او را خفه کند حسنگ خودش مرده بود.
- ۱۲۸- لباسش را پاره کرد و آه سوزناکی کشید و راه بیابان در پیش گرفت و رفت.
- ۱۲۹- دو جنگجو با هم قرار گذاشتند که در آن جمگ کسی به کمکشان نیاید (جنگ تن به تن شد).
- ۱۳۰- مردی که آینه هم صحبت بود (پاک و زلال بود) و از روزن شب (عصر ستم بیداد) به شوکت دیرینه (گذشته‌ی درخشان اسلام) می‌نگریست.
- ۱۳۱- خداوند پس از نشان دادن قدرتش، بر او رحمت کرد و آن جشن بزرگ به ناراحتی تبدیل شد.
- ۱۳۲- روزگار اگرچه بلند است اما خاک پای توست. عقل اگرچه بزرگ است اما در مقابل تو کوچک و حقیر است.
- ۱۳۳- از ابر سحرگاهی زرهی برای قبای زرینت فراهم کن زیرا تو را همچون پیک بسته قبا (آماده و مهیا) می‌فرستم.
- ۱۳۴- جا به جا (۰/۲۵)
- ۱۳۵- گریبان - یقه (۰/۲۵)
- ۱۳۶- زدودن (۰/۲۵)
- ۱۳۷- مهمان‌خانه / جای ضیافت (۰/۲۵)
- ۱۳۸- دریافت به فراست (با دقت) (۰/۲۵)
- ۱۳۹- عمق - ژرفا (۰/۲۵)
- ۱۴۰- جامه‌ای گشاد و بلند که روی لباس‌های دیگر پوشند. (۰/۲۵)
- ۱۴۱- قصد نابودکردن یا قصد از بین بردن اشغالگران و مدعیان دروغین فلسطین را کرد. (۰/۲۵)
- ۱۴۲- رهبر یا امام (خمینی) (۰/۲۵)
- ۱۴۳- به ترتیب: ناصر الدین شاه (۰/۲۵) - رضا خان (۰/۲۵)
- ۱۴۴- امام زمان (عج) (۰/۲۵)
- ۱۴۵- ظهور کن تا غم و ناله‌ی منتظرانت تمام شود و دل‌هایشان شاد گردد. (۰/۲۵)
- ۱۴۶- برخلاف عقل و اندیشه رفتار می‌کنی (۰/۵)
- ۱۴۷- وحدت وجود (۰/۵)
- ۱۴۸- گذشت زمان همه چیز را نابود می‌کند. (۰/۵)

- ۱۴۹- «سستی در عبادت» (۰/۲۵) و «رغبت به آن» (۰/۲۵)
- ۱۵۰- تقلید کورکورانه (۰/۵)
- ۱۵۱- مصنوع و متکلف (۰/۲۵)
- ۱۵۲- مسجّع و فنی (۰/۲۵)
- ۱۵۳- ساعد باقری (۰/۲۵)
- ۱۵۴- محمد بهمن بیگی (۰/۲۵)
- ۱۵۵- تاریخ مسعودی (۰/۲۵)
- ۱۵۶- نصرالله منشی (۰/۲۵)
- ۱۵۷- بیان حالات و احساسات مربوط به وصال و فراق (۰/۵)
- ۱۵۸- تشخیص - استعاره - حس آمیزی - مراعات نظیر (۲ مورد کافی است. هر مورد (۰/۲۵) نمره)
- ۱۵۹- تلمیح (۰/۲۵)
- ۱۶۰- اغراق (۰/۲۵)
- ۱۶۱- متوسل شدن (۰/۲۵)
- ۱۶۲- او را بپذیری یا درگاه خود را به روی او باز کنی (۰/۲۵)
- ۱۶۳- چشم (۰/۲۵)
- ۱۶۴- با شادی و رغبت به نوشتن پرداخت (۰/۲۵)
- ۱۶۵- نماز ظهر (۰/۲۵)
- ۱۶۶- بی‌اعتنایی به دنیا (۰/۵)
- ۱۶۷- دو بعدی (روحانی و جسمانی) (۰/۲۵)
- ۱۶۸- عشق و معرفت (۰/۲۵)
- ۱۶۹- عشق (۰/۵)
- ۱۷۰- فرش بافته شده توسط یارمحمد (۰/۵)

- ۱۷۱- زیرا عشق در ذات خود با غم و اندوه همراه است. (۰/۵)
- ۱۷۲- خلفا می‌گیرید (۰/۲۵) شط‌روان (۰/۲۵)
- ۱۷۳- تا بر شتر نبندد محمل به روز باران (۰/۵)
- ۱۷۴- شب رشته‌های حاشیه‌ی پرچم سیاه توست.
- ۱۷۵- خود گنبد جالب نبود.
- ۱۷۶- توئد انسان از فطرت پاک الهی (سرچشمه‌ی نور الهی) بود.
- ۱۷۷- کبوتران هر کدام برای رهایی خود تلاش می‌کردند.
- ۱۷۸- بوسهل زوزنی نسبت به خشم خود تسلط نداشت. (نمی‌توانست خشم خود را کنترل کند.) و آهسته در زیر لب از روی خشم سخن می‌گفت. (غرولند می‌کرد)
- ۱۷۹- به مناسبت آمدن (قدم نهادن) فصل بهار، کلاهی از شکوفه بر سر شاخه‌های کوچک قرار داده است.
- ۱۸۰- این کیسه‌ها را باید به پدر و پسر داد تا برای خود زمین زراعتی کوچک و حلالی بخرند و بتوانند بهتر و راحت‌تر زندگی کنند.
- ۱۸۱- تو با مکر و حيله‌ی زال این گونه سالم و زنده مانده‌ای و گرنه باید تا به حال مرده باشی.
- ۱۸۲- از ابر سحرگاهی زرهی برای قبای زرینت فراهم کن. زیرا تو را همچون پیک آماده و مهیا می‌فرستم.
- ۱۸۳- کسی که از دم عیسایی تو زنده و با طراوت نشود بدبخت است. چنین کسی یا دچار زرق و برق و فریب می‌شود یا دچار شهرت‌طلبی.
- ۱۸۴- وقتی خدای بلندمرتبه انواع (گروه‌های) موجودات را می‌آفرید در ساختن هر چیز از واسطه با وسیله‌ای استفاده کرد و در انسان گنجینه‌ی شناخت (روح الهی) قرار دارد.
- ۱۸۵- نیرنگ‌باز، حقه‌باز، توانا در کاری
- ۱۸۶- خلاصه‌گویی، کوتاه‌گفتن، سخن کوتاه کردن، بیان مقصود در کوتاه‌ترین لفظ و کمترین عبارت
- ۱۸۷- پافشاری، اصرار
- ۱۸۸- سخن بیهوده
- ۱۸۹- پرداخت خسارت، تاوان، زیادی
- ۱۹۰- زیرکی، هوشمندی

- ۱۹۱- دریافت چیزی به علامت و نشان، دریافت به فراست، جستجو
- ۱۹۲- کوتاهی در عبادت - گناه
- ۱۹۳- تمام نعمت‌ها (یا ذکر مواردی هم‌چون زیبایی، نشاط شور جوانی و...)
- ۱۹۴- محبوبیت و مقبولیت حسنگ
- ۱۹۵- امید مایه‌ی حیات و زندگی است.
- ۱۹۶- نابینایی جانباز
- ۱۹۷- من هم باید به مسئولیت و وظایف رهبری‌ام عمل کنم.
- ۱۹۸- ظالمان به ظلم و ستم خود ادامه می‌دادند. (یا ظالمان موجب تداوم ظلم می‌شدند.)
- ۱۹۹- دریادلان: رزمندگان، مبارزان، انقلابیون
- ۲۰۰- شهید به خون تپیده به غسل نیاز ندارد.
- ۲۰۱- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است.
- ۲۰۲- دانای کل یا سوم شخص
- ۲۰۳- مصنوع و متکلف
- ۲۰۴- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است.
- ۲۰۵- تاریخ مسعودی
- ۲۰۶- نصر... منشی
- ۲۰۷- جناس تام - واج آرای - تکرار - مراعات‌النظیر
- ۲۰۸- (۱) سیلویا تانزد وارنر (۲) فاطمه راکعی (۳) عبدالرحمن جامی
- ۲۰۹- الف) نگهبان، محافظه مراقب (ب) پیامبر اسلام (ص)
- ۲۱۰- فرش
- ۲۱۱- اسفندیار
- ۲۱۲- الف) وارد شدن (ب) خیس و پریشان و آشفته
- ۲۱۳- افراد ایثارگر و بخشنده

۲۱۴- تقلید کردن - مورد سرمشق قرار دادن

۲۱۵- الف) عاشقان یا ساکنان سرزمین عشق یا عارفان (ب) به اوج و کمال رسیدن یا اعتبار یافتن

۲۱۶- مدتی با قفل در ور رفتیم یا جست و جو و تفحص کردیم. (۰/۲۵)

۲۱۷- این نامه‌ی سربسته و مهر و موم شده را به یار مهربان برسان. (۰/۲۵)

۲۱۸- غمی به کهنگی (دیرینگی) تاریخ درد انسان داشت. (۰/۲۵)

۲۱۹- محمد (ص) هر روز لاغرتر می‌شد و فکرش، معنویت و اوج و کمال بیشتری می‌یافت. (یا هر مفهوم نزدیک به این) (۰/۲۵)

۲۲۰- از چاره‌اندیشی (۰/۲۵) زال این گونه سالم و زنده هستی. (۰/۲۵)

۲۲۱- در سرزمین عشق، عرفا (عاشقان خدا) (۰/۲۵) به بالاترین درجه مقام عرفانی و معنوی می‌رسند. (۰/۲۵)

۲۲۲- رضاخان: این قدر کلام بیهوده و بی‌معنی (۰/۲۵) گفت که مدیریت امور از اختیارمان خارج شد. (۰/۲۵)

۲۲۳- وقتی خداوند انواع موجودات را می‌آفرید (۰/۲۵) در هر جایگاه از واسطه و وسیله‌هایی استفاده کرد. (۰/۵)

۲۲۴- آن چه دارم از مقدار کم (۰/۲۵) مال دنیا (۰/۲۵) حلال است، من این زر را نمی‌پذیرم و مسئولیت این را به عهده نمی‌گیرم. (۰/۲۵)

۲۲۵- تصمیم داشتم وقتی که به قرب الهی و معنویات می‌رسم (۰/۲۵) به عنوان هدیه دامن‌ی برای یاران پر کنم (۰/۲۵) وقتی رسیدم لذات قرب الهی و معنویات چنان مرا از خود بیخود کرد (۰/۲۵) که بی‌اختیار شدم. (۰/۲۵)

۲۲۶- شکارچی خرامان شروع به دویدن کرد (۰/۵) تا کبوتران را بگیرد (اسیر کند) کبوتران مضطرب شدند (بی‌تابی می‌کردند) (۰/۲۵) و هر یک برای نجات خود تلاش می‌کرد. (۰/۲۵)

۲۲۷- (اسب) تندرو، فراخ گام، خوش راه

۲۲۸- روش، طریقه

۲۲۹- اطاعت و میل، فرمان بردن

۲۳۰- پر شده و مملو، انباشته

۲۳۱- شهد و شیرینی

۲۳۲- انبوه

۲۳۳- صحرا، بیابان

۲۳۴- الف) رامین (۰/۲۵) ب) غنایی (۰/۲۵)

۲۳۵- الف) گروه، نوع، دسته (نظایر این) (۰/۲۵)
ب) حکومت پهلوی قاطع و جدی است و با کسی تعارف و رودربایستی ندارد (مفاهیمی نظیر این) (۰/۲۵)

۲۳۶- در بیت اول: دلکش، شاد، خوش (۰/۲۵)
در بیت دوم: آغوش، بغل (۰/۲۵)

۲۳۷- چون نور معنویت و بصیرت چشمان یک جانباز بسیار درخشنده‌تر از آفتاب است. (۰/۵)

۲۳۸- حوادث ناگوار و پیشامدهای ناخوشایند (۰/۵)

۲۳۹- اغراق (۰/۲۵)

۲۴۰- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)

۲۴۱- ذکر یکی از آرایه‌های: تلمیح - استعاره - حس آمیزی - اضافه استعاری و واج آرایی کافی است.
لازم به توضیح است که این مصراع دارای مفهوم کنایی نیز می‌باشد. (۰/۲۵)

۲۴۲- ترجیع‌بند (۰/۲۵)

۲۴۳- الف) آفتاب وفا (۰/۲۵) ب) قصیده (۰/۲۵)

۲۴۴- زاویه‌ی دید: سوم شخص یا دانای کل (۰/۲۵)
درون مایه: از خود بیگانگی (الیناسیون) تحت تاثیر فقر (۰/۲۵)

۲۴۵- ۱) علی حاتمی ۲) ابوالفضل بیهقی ۳) ساعد باقری هر مورد (۰/۲۵)

۲۴۶- الف) رستم (۰/۲۵) ب) طنز آمیز (۰/۲۵)

۲۴۷- الف) توجه و لطف - پرورش یا هر مضمون مشابه (۰/۲۵)
ب) خداوند (۰/۲۵)

۲۴۸- الف) اعتبار یافتن، آبرومندی، موفق شدن یا هر مضمون مشابه (۰/۲۵)
ب) هر موفقیت و اعتباری، دور از توجه و الطاف الهی عارضی و موقتی است. (۰/۲۵)

۲۴۹- الف) حضرت موسی (ع) (۰/۲۵)
ب) قصد نابودی و کشتن کسی را داشتن (۰/۲۵)

۲۵۰- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. (۰/۵)

۲۵۱- ترک تعلقات مادی و دنیوی (۰/۵)

۲۵۲- بخشش و لطف بر بندگان خود (۰/۵)

۲۵۳- نتیجه‌ی اعمال و کارهایمان به خودمان باز می‌گردد. (ریشه‌های شکست و موفقیت آدمی در اندیشه و کردار او جست‌وجو می‌شود). (۰/۵)

۲۵۴- سیراب (۰/۲۵) / فرهاد (۰/۲۵)

۲۵۵- این همه پریشانی (۰/۲۵) بر سر پریشانی (۰/۲۵)

۲۵۶- ساربان (۰/۲۵) / محمل (۰/۲۵)

۲۵۷- چه مبارک سحری بود (۰/۲۵) و چه فرخنده شبی (۰/۲۵)

۲۵۸- اسلام شکوه بیشتری به نوروز داد.

۲۵۹- شروع به تقلید از راه و روش او کرد.

۲۶۰- اگر می‌افتادید چه کسی خسارت (تاوان) می‌داد؟

۲۶۱- همین نگذاشتن کلاه پهلوی باعث کشته شدن افراد زیادی شده است.

۲۶۲- به خاطر این گناه‌ها مرا مجازات (۰/۲۵) مکن (۰/۲۵)

۲۶۳- آن تیر کشنده بر بال عقاب اصابت کرد (۰/۲۵) / و او را از اوج آسمان به سوی زمین پایین انداخت (۰/۲۵)

۲۶۴- ای عزیز من برخیز به سوی کوه‌های جولان پیش برویم (۰/۲۵) و از آن جا با شتاب تا سرزمین لبنان پیش برویم. (۰/۲۵)

۲۶۵- امیر به سختی صدمه دید (۰/۲۵) و پای راستش زخمی شد (۰/۲۵) و نزدیک بود غرق شود (۰/۲۵)

۲۶۶- آب و خاک (عناصر سازنده‌ی وجود انسان) (۰/۲۵) از کجا می‌دانستند روزی گوهر گوینده (نفس ناطقه‌ی انسان) (۰/۲۵) و غمزه‌ی غمازه (نشان‌دهنده‌ی اسرار و رازهای الهی) می‌شوند. (۰/۲۵)

۲۶۷- کبوتران دستور او را (۰/۲۵) راهنمای خود قرار داده (۰/۲۵) و راهشان را تغییر دادند (۰/۲۵) و صیاد ناامید برگشت. (۰/۲۵)

۲۶۸- با آمدن (۰/۲۵) فصل بهار (۰/۲۵) شاخه‌های درختان (۰/۲۵) پر از شکوفه می‌شوند (۰/۲۵)

۲۶۹- حریف / رقیب / هر یک از دو کس که با یکدیگر چنگ کنند (۰/۲۵)

۲۷۰- سحرگاه (۰/۲۵)

۲۷۱- آویز طلا و نقره زینتی (۰/۲۵)

۲۷۲- رفت و آمد (۰/۲۵)

۲۷۳- فخر کردن / نازیدن (۰/۲۵)

۲۷۴- روش / طریقه (۰/۲۵)

۲۷۵- گیج گاه (۰/۲۵)

۲۷۶- کبود رنگ (۰/۲۵)

۲۷۷- گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. (۰/۵)

۲۷۸- عصر ستم و بیداد (۰/۵)

۲۷۹- ایجاد پیوند و نزدیکی انسان به خداوند (۰/۵) (یا هر جمله‌ای که این مفهوم را برساند).

۲۸۰- مسئولیت این را بر عهده نمی‌گیرم.

۲۸۱- شاعر نورانیت معنوی چشمان نابینای جانباز را (۰/۲۵) برتر و ارزشمندتر از آفتاب می‌داند. (۰/۲۵)

۲۸۲- الف) نادرست (۰/۲۵) ب) درست (۰/۲۵)

۲۸۳- گزینه‌ی ۲ صحیح است. ایهام (۰/۲۵)

۲۸۴- عشق (۰/۲۵) تمنای وصال (۰/۲۵)

۲۸۵- نقد اخلاقی (۰/۲۵)

۲۸۶- سوم شخص با دانای کل (۰/۲۵) اول شخص (۰/۲۵)

۲۸۷- جدول زیر را کامل کنید.

| د | ج | ب | الف | |
|--------------|-----------------|--------------|--------------------|------------|
| نون و القلم* | | مرصاد العباد | | نام کتاب |
| | غلام حسین ساعدی | | دکتر قیصر امین پور | پدیدآورنده |

* زن زیادی، مدیر مدرسه، پنج داستان و با اشاره به سایر آثار خارج از کتاب جلال آل احمد نیز قابل قبول است.

۲۸۸- گزینه‌ی الف پاسخ صحیح است. (۰/۵)

۲۸۹- انسان‌های ایثارگر و از خود گذشته (۰/۵)

۲۹۰- الف) هیچ موجودی از آسیب روزگار در امان نیست. (۰/۵) ب) خود شاعر (۰/۲۵)

۲۹۱- بلادهایی که بر سر ما می‌آید نتیجه اعمال خود ماست. (۰/۵)

۲۹۲- کاملاً عصبانی شد. (۰/۵)

۲۹۳- الف) در صورتی که هم محبت و بندگی (۰/۲۵) و هم علم و معرفت (۰/۲۵) به کمال داشته باشد.
ب) بعد روحانی (۰/۲۵) بعد جسمانی (۰/۲۵)

۲۹۴- شب‌نشینان (۰/۲۵) دیر ماندی (۰/۲۵)

۲۹۵- سخنم (۰/۲۵) صبری (۰/۲۵)

۲۹۶- آن که این خانه (۰/۲۵) رو نهد به ویرانی (۰/۲۵)

۲۹۷- لاله‌ی سیراب (۰/۲۵) بود دامن کوه (۰/۲۵)

۲۹۸- گنبد آجری که در جاهای مختلف آن سوراخ‌هایی برای کفترها بود.

۲۹۹- مذهب عشق با همه‌ی ادیان و مذاهب دیگر تفاوت دارد.

۳۰۰- اطاعت از دستور رهبر امام خمینی واجب است.

۳۰۱- صبح بسیار زود که تاریکی و روشنی در هم می‌آمیزد، آن‌گونه که تشخیص گرگ از میش دشوار بود.

۳۰۲- از میدان جنگ بیرون رفتند. (جنگ بی‌نتیجه بود) در حالی که اسب‌های آن‌ها خسته و خودشان کاملاً کوفته و ناتوان بودند.

۳۰۳- به این دلیل جان من یک‌بار در آتش عشق تو نمی‌سوزد و نابود نمی‌شود که امید وصال تو هرگز گاهی به آن آب می‌زند و جانم را تر و تازه نگاه می‌دارد.

۳۰۴- پروانه‌ای عاشق، شعله‌ی شمع را در آغوش گرفت و با آتش هم آغوش شد و در این حال وصال، با خوشحالی در وجود محبوبش فانی شد.

۳۰۵- من نمی‌گویم که به آن‌ها نیاز ندارم و چون قانع هستم، گناه و ممت این پول به درد من نمی‌خورد.

۳۰۶- لطف پروردگار و حکمت الهی بردل فرشتگان چنین می‌خواند، شما فرشتگان هرگز با عشق سرو کاری نداشته و عاشق نبوده‌اید.

۳۰۷- در موقع آسودگی، سازگاری بهتر است و الا خرده‌گیران فرصت بدگویی می‌یابند. (خواهند یافت)

۳۰۸- ستاینندگان زیور جمال او در کشف کردن و آشکار ساختن احساس‌های عارفانه و پی بردن به حقایق عرفان غرق بودند.

۳۰۹- صورت و چهره.

۳۱۰- خردمندان

- ۳۱۱- گام‌ها، قدم‌ها، جمع خطوه
- ۳۱۲- برخلاف میل
- ۳۱۳- موبدان زردشتی، زردشتیان
- ۳۱۴- بدرفتار، ناگوار، گرفتار
- ۳۱۵- بلبل
- ۳۱۶- رفت و آمد
- ۳۱۷- کوتاهی جملات - کثوت و تنوع افعال
- ۳۱۸- امام حسین (ع)
- ۳۱۹- گزینه‌ی ۲
- ۳۲۰- از اوج به زیر آمدن.
- ۳۲۱- ترس از خداوند و این‌که عقل و احساسات را نادیده نگیرد.
- ۳۲۲- ابلیس پیش تک بعدی داشت و از بعد جسمانی به انسان می‌نگریست و به بعد معنوی و عظمت روحی انسان توجه نداشت.
- ۳۲۳- گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است.
- ۳۲۴- از خود بیگانگی انسان تحت تاثیر فقر
- ۳۲۵- سوم شخص (دانای کل)
- ۳۲۶- سنایی - ششم
- ۳۲۷- استعاره از چشم
- ۳۲۸- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است.
- ۳۲۹- سلمان هراتی
- ۳۳۰- فاطمه راکعی
- ۳۳۱- سیلویا تانزدوارنر
- ۳۳۲- مسجّع (فتی)

- ۳۳۳- گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است.
- ۳۳۴- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است.
- ۳۳۵- از کار برکنار کردن، عزل کردن
- ۳۳۶- گل نماد عشق و محبت
- ۳۳۷- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است.
- ۳۳۸- لعل به ذات خود ارزشمند است. (ارزش هر چیز به ذات آن است)
- ۳۳۹- امی بودن پیامبر اسلام (ص) (پیامبر سواد خواندن و نوشتن نداشتند)
- ۳۴۰- معرفت الهی یا گنج الهی
- ۳۴۱- متوسل شدن، پناه بردن
- ۳۴۲- حضرت ابراهیم (ع)
- ۳۴۳- اسلام
- ۳۴۴- دهر - عروسی
- ۳۴۵- نگار - عشوه‌های
- ۳۴۶- بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران
- ۳۴۷- دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
- ۳۴۸- صدای زیبای بلبل را به تو تقدیم می‌کنم.
- ۳۴۹- طوی دو سه لحظه همه‌چیز را به خاکستر تبدیل کرد.
- ۳۵۰- روی تپه‌ی شهید برهانی عملیات کردیم.
- ۳۵۱- برگشت و به شرح آن چه دیده بود، پرداخت.
- ۳۵۲- به دست‌های نقاش پیر لرزه آورده است.
- ۳۵۳- هم‌نبرد تو آمد، آماده‌ی جنگ باش.
- ۳۵۴- یک مشت خاک از روی همه‌ی زمین برداشت.
- ۳۵۵- لباسی داشت (جامه‌ای گشاد) کبود متمایل به سیاه.

- ۳۵۶- کبوتران فرمان او را راهنمای خود (سرلوحه‌ی خود) قرار دادند. و مسیرشان را تغییر دادند. (به مسیرشان ادامه دادند).
- ۳۵۷- ستایش مخصوص خداوند بزرگ و گرامی است. که فرمان‌بردن از او باعث نزدیکی به او است. و شکر او موجب افزایش نعمت است.
- ۳۵۸- آب و خاک (عناصر سازنده‌ی وجود انسان) از کجا می‌دانستند روزی گوهر گوینده (نفس ناطقه‌ی انسان) و غمزه‌ی غمازه (نشان‌دهنده‌ی اسرار و رازهای الهی) می‌شوند.
- ۳۵۹- دارنده‌ی شکوه و حشمت
- ۳۶۰- تندرو، فراخ‌گام، خوش‌راه
- ۳۶۱- روزگار
- ۳۶۲- جاودانگی
- ۳۶۳- سرشتن، مایه‌زدن
- ۳۶۴- خشم‌گرفتن، غضب، ملامت
- ۳۶۵- دوستی، رفت و آمد
- ۳۶۶- چاپلوسی و تملق‌درباری
- ۳۶۷- اصرار می‌کنم.
- ۳۶۸- بلوغ: اوج جوانی موهبت: بخشش‌های خود (نعمت‌ها)
- ۳۶۹- افرادی که از امکانات موجود استفاده نمی‌کنند (یا گمراهان).
- ۳۷۰- راز (نامه‌ی محرمانه‌ی عشق)
- ۳۷۱- آتش
- ۳۷۲- ظالمان به ظلم خود ادامه می‌دادند.
- ۳۷۳- سستی در عبادت، گناه یا معصیت.
- ۳۷۴- سیاست‌نامه
- ۳۷۵- جولان - جولان، جناس تام
- ۳۷۶- نماد هویت و موجودیت یک ملت

۳۷۷- اول شخص

۳۷۸- تلمیح

۳۷۹- ناصر خسرو

۳۸۰- کویر

۳۸۱- از این ستاره تا آن ستاره

۳۸۲- مرصادالعباد

۳۸۳- علی محمد افغانی

۳۸۴- بینایی چشم

۳۸۵- دیدم

۳۸۶- مریضی

۳۸۷- اجازهی ملاقات داده شود.

۳۸۸- بی تجربگی (خامی)

۳۸۹- کشته شدن (به شهادت رسیدن)

۳۹۰- بیانگر تعداد زیاد کشته‌ها

۳۹۱- کوتاهی عمر یا زودگذر بودن عمر

۳۹۲- چهره

۳۹۳- سردی آب

۳۹۴- بی‌اعتنایی

۳۹۵- عمارت - ویرانی

۳۹۶- انس مزین بر در این کهنه رباط

۳۹۷- عشقت - دل

۳۹۸- بند غم ایام نجاتم دادند

۳۹۹- شما که با شاهان بیشتر نشست و برخاست داشته‌اید. (هم‌نشین بوده‌اید) (۰/۲۵)

- ۴۰۰- من ریاست این کبوتران را بر عهده گرفته‌ام. (۰/۲۵)
- ۴۰۱- از کاری که انجام داده بود، زیان دید. (۰/۲۵)
- ۴۰۲- اگر ذره‌ای در ته دریا هم باشد، آن را می‌بینم. (۰/۲۵)
- ۴۰۳- برخاست اما نه به صورت کامل (۰/۲۵) و زیر لب آهسته سخن می‌گفت. (غرولند می‌کرد) (۰/۲۵)
- ۴۰۴- عقل و احساس خود را (۰/۲۵) تباه نکن. (۰/۲۵) (بر خلاف عقل و احساس عمل نکن.)
- ۴۰۵- آن چه آزاردهنده (کشنده) است (۰/۲۵) زندگی‌بخش خواهد شد. (۰/۲۵)
- ۴۰۶- از آسیب زمان- که مانند داسی دروگر است- هیچ موجودی در امان نیست. (۰/۵)
- ۴۰۷- به یاری (۰/۲۵) و پشتیبانی آن‌ها (۰/۲۵) از دست شکارچی رها شدم. (۰/۲۵)
- ۴۰۸- هر نفسی که می‌کشیم (دم)، یاری‌دهنده‌ی زندگی است (۰/۵) و آن‌گاه که بالا می‌آید (بازدم) شادی‌بخش وجود است. (۰/۵)
- ۴۰۹- اگر لعل نقش مهر نداشته باشد، اشکالی ندارد (مهم نیست) (۰/۵) عشق هم که با اندوه همراه است حتی از دریای غم نیز هراسی ندارد. (۰/۵)
- ۴۱۰- درنگ کردن، آهستگی (۰/۲۵)
- ۴۱۱- محوطه‌ی در ورودی (۰/۲۵)
- ۴۱۲- جار، ندا (۰/۲۵)
- ۴۱۳- برجستگی جلو زین اسب، کوهه یا قبه‌ی زین (۰/۲۵)
- ۴۱۴- قسمت فوقانی خارجی استخوان سر، گیج‌گاه (۰/۲۵)
- ۴۱۵- قطعه چوبی که جلو درشکه یا ارابه نصب کنند و اسب‌ها را به دو طرف آن بندند. (۰/۲۵)
- ۴۱۶- تنگنا، کار سخت و دشوار (۰/۲۵)
- ۴۱۷- بغل، آغوش (۰/۲۵)
- ۴۱۸- سبزه‌زار (۰/۲۵)
- ۴۱۹- آماده، مهیا (۰/۲۵)
- ۴۲۰- استبداد یا خودکامگی (۰/۲۵)

- ۴۲۱- سگزی: رستم (۰/۲۵) مرد پر خاشخحر: اسفندیار (۰/۲۵)
- ۴۲۲- زندگی خود را سپری می کردند. (۰/۵)
- ۴۲۳- تسلط بر نویسندگی (۰/۵)
- ۴۲۴- زیرا انسان را تنها از یک بعد (جسمانی) می دید. (۰/۵)
- ۴۲۵- علی حاتمی (۰/۲۵)
- ۴۲۶- پنج داستان (۰/۲۵)
- ۴۲۷- طنزآمیز (۰/۲۵)
- ۴۲۸- تاریخ سلطنت مسعود پسر محمود غزنوی (۰/۲۵)
- ۴۲۹- خرق عادت (۰/۲۵)
- ۴۳۰- تشخیص (یا استعاره مکنیه)، حس آمیزی (۰/۲۵)
- ۴۳۱- جناس ناقص حرکتی (۰/۲۵)
- ۴۳۲- عشق (۰/۲۵)
- ۴۳۳- گزینه ی ۲ صحیح است. (۰/۲۵)
- ۴۳۴- خدا (۰/۲۵)
- ۴۳۵- عارفان (۰/۲۵)
- ۴۳۶- سگار العیوب بودن (۰/۲۵)
- ۴۳۷- معنویت یا نور (۰/۲۵)
- ۴۳۸- کار آزموده است. (در عشق باتجربه است) (۰/۵)
- ۴۳۹- آماده ی حرکت و هجوم هستند. (۰/۵)
- ۴۴۰- در صورت دیدن چهره ی معشوق (۰/۵)
- ۴۴۱- فرا رسیدن ایام پیری (۰/۵)
- ۴۴۲- افراد ایثارگر یا خیرخواه (۰/۲۵)
- ۴۴۳- زشتی ها یا بدی ها و تاریکی ها (۰/۲۵)

۴۴۴- بی تو جُهی نسبت به خویش (۰/۵)

۴۴۵- حجاب (۰/۲۵)

۴۴۶- دل (۰/۲۵)

۴۴۷- گریان (۰/۲۵)

۴۴۸- شام (۰/۲۵)

۴۴۹- این همه شهد و شکر کز سخنم (۰/۵)

۴۵۰- شادیِ جانِ کسی کاو ز جهان آزاد (۰/۵)

۴۵۱- باید با هم هم‌فکری کنیم. (۰.۲۵)

۴۵۲- آن کلاه پادشاهی را بر سرش گذاشت. (۰.۲۵)

۴۵۳- با شنیدن اسم شهر خوشحال می‌شدم. (۰.۲۵)

۴۵۴- با تنهایی کوه، دوستی (رفت و آمد) می‌کند. (۰.۲۵)

۴۵۵- التماس (خواهش) رستم (۰.۲۵) در اسفندیار اثر نکرد. (۰.۲۵)

۴۵۶- امیر (مسعود) صبح زود (۰.۲۵) سوار (بر اسب) شد. (۰.۲۵)

۴۵۷- رفت و آمد (۰.۲۵) صیادان در آن‌جا پی‌درپی بود. (۰.۲۵)

۴۵۸- زمان شکوه جوانی را (۰.۲۵) از بین می‌برد. (۰.۲۵) بر ابروهای زیبا چین و چروک می‌اندازد. (۰.۲۵)

۴۵۹- یکی دیگر از پروانگان رفت (۰.۲۵) از نور عبور کرد (۰.۲۵) و از دور خودش را به آتش شمع زد. (۰.۲۵)

۴۶۰- هوا و هوس خود را به رشته‌ی جان‌گره زده است. (۰.۵) (ای صبح‌دم) تو را نزد گره‌گشای عشق (خدا) می‌فرستم که مرا از بند هوی و هوس برهاند. (۰.۵)

۴۶۱- شیرهی درخت انگور با قدرت او (خداوند) عسلی برگزیده شده است (۰.۵) و هسته‌ی خرمایی با پرورش او به نخلی بلند تبدیل شده است. (۰.۵)

۴۶۲- کلام بی‌معنی و بیهوده (۰.۲۵)

۴۶۳- ضربه با گوشه‌ی مشت، آرنج یا دست که معمولاً برای هشدار دادن زده می‌شود. (۰.۲۵)

۴۶۴- واجب گردانیدن، تعیین گردیدن (۰.۲۵)

- ۴۶۵- گیج‌گاه، قسمت فوقانی خارجی استخوان سر (۰.۲۵)
- ۴۶۶- نزدیک‌شونده، همگرا (۰.۲۵)
- ۴۶۷- قرقاول، نام پرنده‌ای (۰.۲۵)
- ۴۶۸- طناب، ریسمان (۰.۲۵)
- ۴۶۹- با چه کسی سخن می‌گویی؟ (۰.۵)
- ۴۷۰- جان گذاختن به آتش عشق (مصراع اول) یا عاشق شدن با تمام وجود (۰.۵)
- ۴۷۱- عشق یا روح الهی (خدا) (۰.۵)
- ۴۷۲- زیرا فروغ معنوی (بصیرت) چشم جانباز را بر آفتاب ترجیح می‌دهد. (۰.۵)
- ۴۷۳- فقر، مسخ شدن یا دل‌بستگی عمیق به گاو (۰.۲۵)
- ۴۷۴- محبوبیت حسنگ (۰.۲۵)
- ۴۷۵- ایجاد نشاط و رغبت یا بیداری و عبرت (۰.۲۵)
- ۴۷۶- جوانی یا نعمت (۰.۲۵)
- ۴۷۷- سوم شخص یا دانای کل (۰.۲۵)
- ۴۷۸- آن‌جا که حق پیروز است. (۰.۲۵)
- ۴۷۹- دفتر دوم (۰.۲۵)
- ۴۸۰- تشخیص یا استعاره‌ی مکنیه (۰.۲۵)
- ۴۸۱- کشت و پشت (۰.۲۵) جناس ناقص اختلافی (۰.۲۵)
- ۴۸۲- (۱) حمیدرضا طالقانی (۰.۲۵) (۲) رابیندرانات تاگور (۰.۲۵)
- ۴۸۳- دوره‌های کودکی و نوجوانی خود (۰.۲۵) فراز و فرود تاریخ معاصر ایل قشقایی (۰.۲۵)
- ۴۸۴- نهایت نیرنگ بازی (۰.۲۵) سیاست (برخورد حکومت با مردم) (۰.۲۵)
- ۴۸۵- ناتوانی اسب‌ها در ادامه‌ی حرکت (۰.۲۵)
- ۴۸۶- ناراحت شد. (۰.۲۵)
- ۴۸۷- از مرگ نجات‌یافته (۰.۲۵)

- ۴۸۸- لباسش را عوض کرد. (۰.۲۵)
- ۴۸۹- فاصله یا ارتفاع (۰.۲۵)
- ۴۹۰- نعمت‌ها یا خوبی‌ها (۰.۲۵) یا هر پاسخ مناسب دیگر.
- ۴۹۱- مردن یا فناء فی‌الله (۰.۲۵)
- ۴۹۲- متوسل شدن یا مطیع محض شدن (۰.۲۵)
- ۴۹۳- ترک کردن یا منصرف شدن از راه و روش خود (۰.۲۵)
- ۴۹۴- عصر ستم و بیداد (۰.۲۵)
- ۴۹۵- گذشته‌ی درخشان اسلام (۰.۲۵)
- ۴۹۶- اوج، عزت، کمال (۰.۲۵)
- ۴۹۷- کالبد یا جسم انسان (۰.۲۵)
- ۴۹۸- عشق (۰.۲۵)
- ۴۹۹- مزدهی (۰.۲۵)
- ۵۰۰- عشق (۰.۲۵)
- ۵۰۱- دل (۰.۲۵)
- ۵۰۲- خلفا (۰.۲۵)
- ۵۰۳- مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند (۰.۵)
- ۵۰۴- که اساسش همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است (۰.۵)